

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

نماد دختر خیابان انقلاب: نه به حجاب اجباری

در اوایل دی ماه سال ۱۳۹۶ و چند روز قبل از اولین تظاهرات ضدحکومتی در ایران، زن جوانی بدون روسری بر روی یک سکوی پست برق در خیابان انقلاب قرار گرفت و در حالی که یک روسری سفید را بر چوبی بسته بود، آن را در اعتراض به حجاب اجباری تکان داد. بر اساس اخبار منتشر شده، این زن جوان در زمان اعتراض ۳۱ ساله و مادر کودکی ۱۹ ماهه بود. نام او تا مدت ها معلوم نبود تا اینکه بصورت مشخص نام او را «ویدا موحد» اعلام کردند. «نه به حجاب اجباری» و تلاش برای «حق انتخاب» پس از حرکت ابتکاری ویدا موحد به عنوان نخستین «دختر خیابان انقلاب»، خیلی زود تکثیر شد و با مشارکت روزافزون زنان و دختران در هر موقعیت و سن و سال، تبدیل به موجی شده که به اصفهان، شیراز، مشهد، اراک و قزوین و شهرهای دیگر هم رسیده و همچنان ادامه دارد. تا جایی که تا کنون بیش از ۲۵ دختر انقلاب با الهام از حرکت ویدا موحد روسری خود را در میادین و خیابانهای سطح شهر خود از سر باز کرده و به اهتزاز در آورده اند. جنبش زنان بعنوان یکی از جنبشهای فعال در کنار جنبشهای کارگران و معلمان قرار دارد. و همواره به دنبال احقاق حق و حقوق خود از قوانین حکومتی مردسالار ایرانی بوده است، هر چند که در ایران مردان هم حق و حقوق شهروندی چندانی ندارند اما در این ظلمی که بر مردم ایران می رود زنها دچار ظلم مضاعف هستند. از نابرابری حق و حقوق خود با مردان گرفته تا تضییع حق برابر در کار و حقوق شهروندی که اگر بخواهیم دیگر حقوق زنان را شمارش کنیم از حوصله این متن خارج است، کمترین و بیش از آن افتاده ترین این حقوق به مسابقه فوتبال ایران و سوریه برمیگردد که زنان سوری حق ورود به استادیوم را داشتند و زنان ایرانی محروم از این حق شدند!

در دوران دهه ۶۰ در پارک های تهران موهای دختران را که بیرون بود قیچی می کردند، ناخن های بلند آنها را بریده و بر پاهایی که بیرون بود تیغ می کشیدند و «خواهران زینب» روژ لب دختران را با آب دهانی که بر کف دست آنها می انداختند پاک می کردند. بعدها گشت ارشاد را جهت ارشاد زنان و مردانی که از نظر حکومت پوشش نامناسبی داشتند بر پا کردند که آنها جواب معکوس داد. برخوردهایی که با این نافرمانی مدنی در ایران صورت گرفته مانند اغلب واکنشهایی هست که در جمهوری اسلامی شایع است، عده ای آن را به خارج از کشور و اجانب ربط دادند همانند مهدی محمدی کارشناس و تحلیلگر مسائل اجتماعی آن را موضوعی سیاسی قلمداد کرد و گفت؛ پدیده دختر خیابان انقلاب، تلاشی است ناکام برای تحمیل پدیده بی حجابی به جامعه ای که همین حالا هم اکثریت قریب به اتفاق زنان در آن، حجاب را به اختیار پذیرفته اند و کسی بابت حجابی که دارند به آنها زور نگفته است!!! ویا امام جمعه اصفهان در خطبه های نماز جمعه دختران انقلاب را فاسق لقب داد و گفت؛ امیرالمومنین می فرماید بپرهیزید از رفیق فاسق. بسیاری از انسان های فاسقی که دستور از غرب می گیرند و در خیابانی در تهران روسری را از سر خود بر می دارند، دستور دارند و با قصد کمرنگ کردن حجاب در میان مردم مومن این اعمال را انجام می دهند. زمانی که انسان در انجام گناه بی باک شد دیگر با آن گناه مانوس خواهد شد. اما عده ای دیگر میخواستند آنرا بی اهمیت جلوه داده و لوث کنند، همانند فاطمه راکعی نماینده مجلس ششم و عضو «جبهه مشارکت ایران اسلامی» و مشاور امور بانوان. محمدعلی نجفی شهردار تهران گفت «اگر جامعه بی اعتنایی کند و زنان و دختران فریخته، موضوع را جدی نگیرند و کسانی تصور نکنند احیانا کار بزرگی در حال وقوع است، خود به خود چنین تحولاتی خنثی می شود!» فقط سرکار خانوم راکعی نفرمودند که چرا باید برای دخترانقلاب خانم نرگس حسینی مبلغ ۵۰۰ میلیون وثیقه در نظر گرفته شود؟! سیاست های غلط رژیم در ۴۰ سال اخیر به قول سهیلا جلودار زاده نماینده اصلاح طلب مجلس که گفته بود «زمانی برای زنان محدودیت قائل می شدیم و آنها را در تنگنای غیر لازم قرار می دادیم و همین مسئله موجب شد تا با این فشارها طغیان ایجاد شود و دختران خیابان انقلاب روسری های شان را سر چوب بگذارند. این کارها به خاطر رفتار اشتباه ماست.

بازداشت ۳۴ کارگر نیشکر هفت تپه؛ اعتصاب ادامه دارد!!!

در پی طولانی شدن اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، ده ها تن از کارگران توسط نیروهای امنیتی و انتظامی بازداشت شده اند. گارد ویژه نیروی انتظامی همراه با ماموران مسلح امنیتی ضمن محاصره این کارخانه بزرگ صنعتی-کشاورزی، کارگران را مورد یورش وحشیانه قرار داده و پس از مجروح ساختن گروهی از آنها، حداقل ۳۴ تن را بازداشت و روانه زندان کرد... به نوشته کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی، کرامت پام، رحیم بساک و رمضان علیپور، از نمایندگان کارگران، جزو بازداشت شدگان هستند. این چهار تن در چند روز گذشته بازجویی شده بودند. پیش از این نیز آقای بخشی هنگام بازگشت به خانه اش در دزفول مورد حمله نقابداران قرار گرفته بود که تاکنون هویت آنان مشخص نشده و نیروی انتظامی هم در این مورد اظهار نظر نکرده است. بازداشت شدگان به پاسگاه نیروی انتظامی هفت تپه منتقل شده اند. یک کارگر شرکت نیشکر هفت تپه گفت که کارگران بازداشتی به پلیس امنیت شوش انتقال یافته اند. بازداشت شدگان با دستبند و پابند به دادگستری شوش منتقل شده اند. هنوز از دلیل بازداشت این کارگران و یا اتهام وارد شده به آنان خبری منتشر نشده است... پیش از این نیز، برای دستکم ۷۰ کارگر شرکت نیشکر هفت تپه پرونده قضایی تشکیل شده بود. آنها پس از اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه در شهریور ماه بازداشت و یا احضار شده بودند. سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در بیانیه روز یکشنبه خود گفت که نیروهای یگان ویژه از شب ۱۴ بهمن، در محوطه شرکت «حضور چشمگیر» داشته اند و «جو به شدت امنیتی در کارخانه برقرار است و کارخانه تبدیل به پادگان شده است». این تشکل کارگری ضمن درخواست برای آزادی فوری کارگران بازداشت شده، خواستار پایان فضای امنیتی شرکت نیشکر هفت تپه و خروج سریع یگان ویژه از این شرکت شد. سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در عین حال، اعتصاب، تجمع و اعتراض را «حق اولیه و بی چون و چرای کارگران» دانسته و معتقد است که هیچ کارگری به دلیل حق خواهی، اعتراض و اعتصاب و تجمع نباید مورد بی حرمتی، دستگیر، بازداشت و مورد تهاجم نیروهای نظامی قرار گیرد. اعتصاب کارگران در محوطه شرکت نیشکر هفت تپه قرار دارد. کارگران اعتصابی ضمن درخواست بر پرداخت معوقات مزدی خود خواستار آزادی همکاران زندانی شان هستند.

اعتصاب کارگران از چهارشنبه گذشته شروع شده است.

برخورد با کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در شرایطی انجام شده است که کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری در روزهای اخیر از ۳۳۱ سندیکا و اتحادیه عضو خود در ۱۶۳ کشور خواسته بود نسبت به آنچه «آزار و اذیت» فعالان کارگری و «نقض سیستماتیک» حقوق کارگران و نیز تشکل یابی آنان نامید، به سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران اعتراض کنند. این فراخوان پس از آن داده شد که گزارش هایی در مورد افزایش برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالان کارگری و کارگران و نیز تشدید مشکل پرداخت نشدن چند ماهه دستمزد کارگران در مناطق مختلف ایران، از جمله در شرکت نیشکر هفت تپه انتشار یافته است. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که ۲۰۲ میلیون کارگر را تحت پوشش دارد، در فراخوانی که صادر کرده، با اشاره به زندانی کردن و بازداشت شماری از فعالان کارگری و حقوق معلمان و نیز محاکمه تعداد دیگری از آنان به دلیل فعالیت های سندیکایی شان نوشته است که آنها بر اساس «اتهام های نادرست» محاکمه و محکوم شده اند. یکی از اعضای سندیکاهای اعلام کرد که اشاره این کنفدراسیون به اتهام های امنیتی وارد شده به فعالان کارگری و شماری از کارگران معترض به شرایط صنفی شان در سالیان اخیر بوده است؛ اتهام هایی که مجازات هایی مانند دوره های طولانی مدت زندان و یا حتی صدور و اجرای احکام شلاق را برای تعدادی از آنان به همراه داشته است. کارگران شرکت نیشکر هفت تپه خواستار پرداخت به موقع دستمزدها، به رسمیت شناخته شدن سندیکای کارگران این شرکت به عنوان نماینده کارگران، بازگشت به کار کارگرانی که به توصیف این فراخوان، «به ناحق اخراج شده اند» و نیز بازگرداندن مالکیت این واحد به دولت هستند.



۸۰ تا ۹۰ درصد قراردادهای کار در کشور موقت است

علی اکبر سیارمه، اظهار کرد: قرارداد موقت هم مشخص است ولی با وجود آنکه در قانون برای ترک کار و اخراج کارگر ضوابطی را تعیین کردند و کارفرما نمی تواند خودسرانه کارگری را از کارش معلق و بیکار کند، متأسفانه به دلیل مشکلاتی که بعضاً برای کارفرمایان در تولید و هزینه های تولید ایجاد شده، آنها دیواری کوتاهتر از حقوق و دستمزد کارگران ندیده اند. گران شدن قیمت مواد اولیه یا ارز و عوارض و گمرکات همه باعث شده کارفرمایان نتوانند از عهده هزینه های خود برآیند و همواره این مشکلات در زمان تعیین دستمزد سرباز می کند. کارفرمایان می خواهند چرخ تولیدشان بگردد و هزینه هایشان پایین بیاید ولی دیواری کوتاهتر از دستمزد کارگران را برای کم کردن هزینه های خود نمی بینند و قراردادهای موقت یکی از این عوامل است. حجم قراردادهای موقت بیش از قراردادهای دائم است و هرچه قرارداد دائمی داریم مربوط به دهه ها و سالهای گذشته بوده است. درباره کارکنان دولت نیز اگر تحقیق و تفحص صورت گیرد، بخشی از آنها پیمانی، بخشی قرارداد موقت و تعداد محدودی رسمی و قرارداد دائمی هستند. امروز نیروهایی داریم که سابقه بیش از ۱۰ سال کار مستمر دارند ولی هنوز با آنها قرارداد سه ماهه بسته می شود.

چهارمین روز اعتراضات تعدادی از رانندگان شرکت واحد عضو پروژه سپیدار دو وسه

امروز چهاردهم بهمن ماه چهارمین روز اعتراضات تعدادی از رانندگان شرکت واحد که عضو پروژه نیمه ساخته و رها شده مسکن سپیدار دو وسه میباشد در مقابل شهرداری و شورای شهر بوده است این تجمع هر روز از ساعت ده صبح تا دوازده در مقابل شورای شهر و شهرداری انجام میشود، اعضای این پروژه که همگی از رانندگان شرکت واحد هستند بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد هزینه ساخت را هایشان میگذرد اما تا کنون منازل خودشان را تحویل نگرفته اند و با توجه به اینکه نزدیک به ۵۰ تا ۶۰ درصد هزینه ساخت را به تعاونی مسکن شرکت واحد تحویل داده اند، متأسفانه ۴۵ درصد کار ساختمان بیشتر پیش نرفته و این رانندگان تا کنون بلا تکلیف هستند این پروژه ۲۶۰ عضو دارد که ناکارآمدی مدیران شرکت واحد و شهرداری باعث متوقف شدن کار ساختمان این پروژه گردیده است.

فدراسیون حمل و نقل جهانی در نامه ای از رهبر جمهوری اسلامی خواستار لغو حکم زندان برای داود رضوی شد

داود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی به دادگاه تجدید نظر احضار شده است. این دادگاه که قرار بود روز چهارشنبه ۴ بهمن برگزار شود با تقاضای صالح نیکیبخت وکیل پرونده به ۱۰ بهمن موکول شده است. فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) در نامه ای به علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی خواستار بسته شدن فوری پرونده قضایی علیه رضوی به دلیل فعالیت های سندیکایی شده است. استیو کورتن دبیرکل این فدراسیون در نامه ای به خامنه ای به تاریخ ۲۴ ژانویه یادآور شده است که پرونده سازی امنیتی برای رضوی به فعالیت او در رابطه با تدارک مراسم روز جهانی کارگر در اردیبهشت سال ۹۴ برمی گردد و او به خاطر فعالیت صنفی به اقدام علیه امنیت ملی متهم و به ۵ سال زندان محکوم شده است. کورتن خواستار بسته شدن فوری پرونده این فعال کارگری و منع تعقیب او شده است. داود رضوی چند روز پیش از روز جهانی کارگر سال ۹۴ همزمان با ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد دستگیر و چندی بعد با قید وثیقه آزاد شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب رضوی را به ۵ سال زندان محکوم کرده است.



آزادی کارگران بازداشت شده شرکت نیشکر هفت تپه بدنبال اتحاد بکارچه کارگران

به گزارش کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران، امشب یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ بعد از یورش وحشیانه امروز صبح نیروی انتظامی و گارد ویژه به جمع کارگران شریف و زحمتکش شرکت نیشکر هفت تپه که فقط بخاطر مطالبه ماهها حقوق عقب افتاده خود دست به اعتراض زده بودند و بازداشت ده ها تن از کارگران و پس از انجام عمل زشت و شنیع انتقال کارگران محروم و زحمتکش به دادگستری با دستبند و پابند که خاص مجرمان خطرناک است، بدنبال موج اعتراض عمومی علیه این اعمال غیر انسانی و اتحاد مثال زدنی کارگران نیشکر هفت تپه، امشب همه کارگران شریف بازداشت شده آزاد شدند.

فعالیت زنان در مقابل قوانین ضد زنان

زندان و دوری خانم «نرگس محمدی» از علی و کیانای عزیزش از هزار روز گذشت و این مادر شیر دل فدا کار همچنان به آینده همه «علی» ها و «کیانا» های این مرز و بوم می اندیشد با اینکه لحظه لحظه بودنش با همه سختی ها و بی مهری ها بیاد و ب فکر فرزندان عزیز خود سپری میشود آنچنانکه زندگی و بودن هر مادری چنین هست. نام نرگس محمدی ناخود آگاه ما را متوجه هر اتفاقی میکند که در حوزه جنبش زنان بوقوع میبویند. چندی هست که در شهرهای مختلف دختران و زنان جوانی در یک حرکت نمادین و بسیار موثر بعنوان اعتراض به حجاب اجباری روسری خود را بعنوان بیرق بر چوب کرده و در مکانهای عمومی بصورت مجسمه هایی در می آیند، مجسمه ای که جان دارد و میاندیشد و هر لحظه با محیط و اطرافیان ارتباط بر قرار میکند و تسلیم دائمی هیچ کسی نمیشود و دارای حرکت و تحول هست. لابد این زنان جسور خود بخوبی میدانند که رهایی از هر اجباری بخصوص اجبار حجاب بشکل دلخواه حاکمان در مقطع کنونی مقدمه ای هست برای رهایی از بند دیگر مجبوریت های تحمیلی سیاسی و اجتماعی و بخصوص فرهنگی و اندیشگی تا گامی در ساختن جامعه ای بردارند که شایسته آنند. در این مسیر خود نرگس محمدی میتواند یک الگو باشد، اوئی که در یک سخنرانی کوتاه در بهشت زهرا بر سر خاک ستار بهشتی و با طرح سه موضوع مهم باعث عصبانیت نظام شد: ۱- با طرح اسید پاشی بصورت زنان و دختران و تخریب صورت آنها ... ۲- با طرح محدودیتهای تعقیب و توقیف منتقدان و مخالفان و در نهایت شکنجه و کشتن و حذف فیزیکی آنها از طرف حاکمیت، بعنوان مثال در مورد خود ستار بهشتی ... ۳- ادعای تشکیلات عریض و طویل و پر خرجی بنام «ستاد امر به معروف و نهی از منکر» مبنی بر جلوگیری از گسترش فساد را زیر سؤال برد: آیا اختلاسهای میلیاردری از اموال عمومی منکر هست یا بیرون بودن تار موی دختران؟ آیا غارت بیت المال و دزدی های با مبالغ نجومی منکر هستند یا انتقاد یک کارگر که بازجویش اعتراف میکند که؛ «آنقدر زدم که جان دادن ستار را دیدم»، و هیچ مسئول قضائی هم به خواهر و مادر ستار بهشتی جوابگو نیست. واقعا هم مشکل این مردم چی هست؟ یا بهتر بگوییم چی نیست؟ بیکاری، رکود، تورم، فقر شدید، ناامیدی، عصبانیت، بی اعتمادی و..

گزارشی درباره «وضعیت حجاب در ایران»

بخش هائی از نتایج یک نظرسنجی با موضوع «موافقت یا مخالفت با حجاب اجباری»؛ در پی حضور برخی از زنان بدون حجاب در خیابان های مرکزی شهر تهران، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، گزارشی از نشست آسیب شناسی سیاست های اعمال شده درباره حجاب در کشور را منتشر کرد... در این گزارش ۲۰ صفحه ای که خلاصه ای از آن در پی می آید، «پدیده بدحجابی و فراتر از آن مسئله زنان، یکی از مناقشه برانگیزترین مسائل فرهنگی و اجتماعی» دانسته شده است که «نظام جمهوری اسلامی با آن مواجه و توجه به آن از اهمیت زیادی برخوردار است».

... نتیجه دو پژوهش انجام شده توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است که طی آن با اشاره به پژوهش هایی که در طول چند دهه گذشته درباره نگرش های مربوط به حجاب انجام شده اند، به تحقیقی درباره ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال ۱۳۵۳ توسط علی اسدی صورت گرفته است، توجه داده شده که در آن درباره ترجیح داشتن همسر باحجاب یا بی حجاب، سنجشی صورت گرفته و یافته های این تحقیق نشان می دهد که در سال ۱۳۵۳ - چهار سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی - سه چهارم جمعیت (۷۵ درصد) ترجیح می داده اند همسر باحجاب داشته باشند و ۷ درصد نیز تمایل به داشتن همسر بی حجاب داشته اند.

... نزدیک به نیمی از پاسخ دهندگان به پژوهش سال ۱۳۹۳، معتقدند حجاب، مسئله ای شخصی است و دولت نباید در آن دخالت کند. این میزان در سال ۸۵ برابر ۳۴/۸ درصد بوده که نشان می دهد تعداد افرادی که معتقدند دولت نباید در بحث حجاب دخالتی کند، در این مدت افزایش ۱۵ درصدی داشته است. در مقابل، حدود ۴۰ درصد پاسخگویان معتقدند باید با بدحجابی برخورد شود که این میزان در سال ۸۵ برابر با ۵۵/۵ درصد بوده است یعنی از تعداد معتقدین به دخالت دولت در این مدت ۱۵ درصد کاسته شده است. ۵۸/۹ درصد مردم ایران در سال ۱۳۸۲ نیز حجاب را امری مذهبی که اجرای آن الزامی است، تلقی می کرده اند، به عبارتی در سال ۱۳۸۲، ۴۱/۱ درصد مردم موافق اجباری شدن حجاب نبوده اند. ... در سال ۱۳۹۳ بیش از ۴۱ درصد حجاب را امری فردی دانسته و رعایت آن را الزامی نمی دانند»، و تصریح شده است که «مطالبه اجرای الگوهای مطلوب و رسمی پوشش زنان در جامعه ای که حداقل ۴۱ تا ۵۰ درصد آن، حجاب را امری فردی و اختیاری می داند، بسیار دشوار است». نتایج یک نظرسنجی با موضوع «موافقت یا مخالفت با حجاب اجباری» که توسط وزارت ارشاد در سال ۱۳۹۴ انجام شد، نشان می دهد به جز یک استان، در تمام استان های دیگر ایران، مخالفین حجاب اجباری چند برابر موافقان هستند.

نتایج یک نظرسنجی که توسط وزارت ارشاد ایران در سال ۱۳۹۴ صورت گرفته بود، نشان می دهد که مخالفان حجاب اجباری در تمام استان های ایران به جز یک استان چند برابر موافقان آن هستند. طبق این نظرسنجی ۳ / ۷۸ درصد کل جمعیت کشور موافق حجاب اختیاری بوده و تنها ۷ / ۲۱ درصد از حجاب اجباری حمایت می کنند.

کسی به تجمع کنندگان حمله نمی‌کند مگر با چراغ سبز حکومت

شیرین عبادی: «کسی به تجمعات کنندگان حمله نمی‌کند مگر با چراغ سبز حکومت. این حکومت است که به تجمع کنندگان طی ۳۹ سال گذشته حمله کرده بنابراین چنین بهانه‌های معنای جز ایجاد محدودیت های دیگر ندارد...»

شیرین عبادی حقوقدان درباره تدوین طرح نحوه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی از سوی نمایندگان مجلس که روز ۱۲ بهمن ماه رسانه‌ای شد به کمپین حقوق بشر در ایران گفت این طرح جز ایجاد محدودیت‌های بیشتر و از خاصیت انداختن و حذف اصل ۲۷ قانون اساسی چیز دیگری نیست. پیش از این شورای شهر تهران طرح دوفوریتی برای انتخاب مکانی برای اعتراضات عمومی در ۱۷ دی ماه تصویب کرد که البته به جایی ختم نشد. اما این بار نمایندگان مجلس تعیین یک مکان برای اعتراضات را در طرح اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی گنجانده‌اند. «اصل ۲۷ قانون اساسی فقط یک شرط را برای تجمعات قایل شده که مسالمت‌آمیز و بدون حمل اسلحه باشد. بر این اساس هر قید و بندی که بر این اصل اضافه شود از جمله اینکه جای خاصی به بهانه فکر امنیت تجمع کنندگان در نظر گرفته شود، در حقیقت نیتی جز محدود ساختن این حق ندارد.» خانه ملت سایت مجلس شورای اسلامی روز ۱۲ بهمن ماه در خبری از «تدوین طرح نحوه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی» درباره تجمعات خبر داد. ابوالفضل ترابی نماینده مجلس گفته در این طرح «ترتیبات برگزاری، تامین امنیت و پاسخگویی مسوولان به تجمع کنندگان و مکان خاص برای تجمعات لحاظ شده است. با این حال نه تنها در تجمعات دی ماه ۹۶ مردم معترض مواجه با باتوم و ضرب و شتم، گاز اشک‌آور، ماشین آب‌پاش و بازداشت‌های گسترده شدند بلکه حتی تجمعات کارگران برای مطالبات حقوقی در شهرهای مختلف، تجمعات زنان و یا اعتراضات مردم برخی از شهرهای ایران به دلیل آب آلوده و یا ریزه گردها بارها با عنوان‌های «غیرقانونی» و «اخلال در نظم عمومی» به همین شکل قلع و قمع شده است.

تجمع خانواده زندانیان سیاسی در نگرانی از سرنوشت فرزندان در بند خود

تجمع خانواده زندانیان سیاسی در اعتراض به بازداشت و جهت اطلاع از سرنوشت فرزندانشان که در قیام گلپایگان شرکت کرده بودند، در مقابل زندان دستگرد ورامین شکل گرفته است. این خانواده‌ها نگران وضعیت فرزندان در بند خود هستند. روز سی دی نیروهای سرکوب دستگیریهایی گسترده‌ای در گلشهر گلپایگان انجام دادند. آنها با ضرب و شتم و خشونت و با استفاده از شوکر و اسپری فلفل و باتوم جوانان را دستگیر کرده و به بازداشتگاه برده‌اند. در همین روز محمد نیکبخت زندانی سیاسی سابق و دو برادرش در روز سی دیماه گذشته توسط ماموران اطلاعات بازداشت شدند. این دستگیری‌ها به علت شرکت جوانان در تظاهراتی بوده که روز ۳۰ دی در این شهر برگزار شده و جوانان در آن شرکت کردند. اسامی تعدادی از بازداشت شدگان گلپایگان عبارتند از: محمد، هادی و فضل‌الله نیکبخت، احمدی‌پوری، ابوالفضل ابوالحسنی، حسین فیاضی و رسول یلوری، آنها برای بازجویی از زندان گلپایگان به زندان دستگرد اصفهان منتقل شده‌اند. خبرها حاکی است که یکی از بازداشت شدگان بنام حسین فیاضی در زیر شکنجه است. مسئولین اطلاعات اعلام کردند که بازداشت شدگان همچنان محروم از ملاقات و در انفرادی هستند. اتهام این بازداشت شدگان شرکت در تجمع اعتراضی در گلپایگان در روزهای گذشته می‌باشد.

وضعیت انتقال آتنا دائمی و گلرخ ابراهیمی ایرانی در زندان قرچک ورامین

آتنا دائمی و گلرخ ایرانی دو زندانی روز ۴ بهمن بدون هیچ توضیحی از سوی مقامات قضایی و «با ضرب و شتم» از زندان اوین به قرچک ورامین منتقل شدند. این دو در نامه‌ای که از داخل زندان منتشر کرده‌اند نوشته‌اند که علاوه بر تغییر محل اجرای حکم از اوین به ورامین، «اصل تفکیک جرائم» نیز در این انتقال نقض شده است چرا که زندان قرچک ورامین محل نگهداری زندانیان عمومی و معمولی است و نه سیاسی. نامه این دو زندانی در صفحه فیس‌بوک و توییتری که از سوی بستگان این دو نفر اداره می‌شود منتشر شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «۱۰ روز مهلت دادیم تا ما را به بند زنان زندان اوین که محل اجرای حکم ما میباشد باز گردانند اما دریغ از حتی توضیح قانع کننده و قانونی برای این جابجایی، از امروز ۴ بهمن ۹۶ در اعتراض به نقض قانون تفکیک جرائم و تبعید غیر قانونی‌مان دست به اعتصاب غذا خواهیم زد و باز يك هفته مهلت میدهم تا ما را به همان محل قبلی یعنی بند زنان زندان اوین بازگردانند در غیر این صورت در روز شنبه ۲۱ بهمن ۹۶ لب بر آب هم خواهیم بست». این دو زن زندانی در نامه خود به وضعیت آرش صادقی و سهیل عربی و دوستان و رفقای دیگرمان که در حمایت از ما دست به اعتراض زدند متوجه دادستانی، نفر و همچنین آرش صادقی و سهیل عربی و دوستان و رفقای دیگرمان که در حمایت از ما دست به اعتراض زدند متوجه دادستانی، قوه قضاییه، سپاه ثارالله میباشد». گلرخ ابراهیمی ایرانی، به دلیل نوشتن داستانی منتشر نشده در مورد سنگسار به شش سال زندان محکوم شده و از سوم آبان در زندان به سر می‌برد. آتنا دائمی اواخر مهر ماه ۱۳۹۳ پس از شرکت در تجمعی صلح‌آمیز در مقابل ساختمان سازمان ملل در تهران برای اعتراض به حمله گروه داعش به مردم کوبانی، توسط اطلاعات سپاه پاسداران ایران بازداشت شد. او در دادگاهی به ریاست قاضی مقیسه به ۱۴ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

نگاهی به روزهای پرنلانم جامعه ایران

روزهای خبر ساز در ایران تمام شدنی نیست. از یک طرف واکنشهای گوناگون در درون جامعه نسبت به اعتراضات دی ماه ۹۶ که از سوی گروههای مختلف صورت گرفت از جمله؛ ادامه اعتراضات صنفی و کارگری در طلب معوقات حقوق و مزایای خود و اعتراضات دانشجویی و تجمعات پراکنده مردمی در گوشه و کنار. در بعد اجتماعی هم جنبش زنان با یک شیوه مبتکرانه با پرچم قرار دادن روسری خود به صورت مدنی و شجاعانه جبهه جدیدی گشودند که در صحنه مبارزات اجتماعی یک شیوه و روش جدید میتواند باشد، از طرفی هم فشارهای سیاسی در سطح بین المللی توسط کشورهایی که در توافق هسته ای (برجام) نقش داشتند که در رابطه با برنامه های موشکی در ایران به کار گرفته میشود و زمینه های تحریم های مالی و نفتی و تجاری را رقم می زنند و نیز واکنشهای فعالان حقوق بشری در محافل بین المللی که در رابطه با سرکوب و کشته شدن اعتراض کنندگان و نیز ابراز نگرانی از سرنوشت باز داشت شدگان اعتراضات یک ماه اخیر فشار مضاعفی بر نظام حاکم وارد کرد.

در حوزه حقوق قضایی هم تیره سعید طوسی و عدم استقلال قوه قضایی ایران موجب شوک افکار عمومی گردید و واکنشهای زیادی را برانگیخت، در کنار این وقایع گویا طبیعت هم هماهنگ با گسلهای موجود در بطن جامعه، حاکمیت بخصوص مدیریت شهری را در مقابله با بحرانهای طبیعی به چالش کشید و با بارش برف سنگین در بسیاری از شهرها مخصوصا در ابر شهر تهران نشان داد که اصولا مدیریت حاکم بر ایران در عرصه های گوناگون چیزی را به نام مدیریت آن هم از نوع بحرانیش درک نمی کنند! چون اولاً دانش آن را و بعد انگیزه اش را ندارند. یکی دیگر از خبرهای مهم دیدار نمایندگان مجلس از زندان اوین در رابطه با دستگیر شدگان اعتراضات دی ماه بود که متأسفانه هیچ نتیجه ای نداشت و آماري که وزارت کشور در رابطه با بازداشتی ها داده بود این نمایندگان آن را هم ندیدند. خبر دیگر هم نامه سرگشاده کروی محصور خطاب به خامنه ای بود که در نوع خود با در نظر گرفتن موقعیت سیاسی- اجتماعی طرفین قابل توجه هست، چرا که در چند روز اخیر خامنه ای در جمعی گفته بود که من انتقاد را دوست دارم و میشنوم و اگر انتقاد نکنید ناراحت میشوم!!! اما وزارت ارشاد طی ابلاغیه ای به مطبوعات دستور به عدم انتشار نامه شیخ محصور داد! هر کدام از موارد فوق نشان میدهد طی چهار دهه شیوه حکومت داری در ایران مدام جامعه را آبستن حوادث و رخداد های غیر منتظره ای می کند که نتیجه آن شکل گیری بحرانهای ساختاری و سیستمی می باشد.

تحسین دادرس شهروند مریوانی همچنان در بازداشت است

از نزدیک به دو ماه پیش تحسین دادرس شهروند مریوانی در بازداشت به سر میبرد. او پس از یک هفته بازداشت در اداره ی اطلاعات مریوان به بازداشتگاه اداره ی اطلاعات سندانج منتقل شده است. تحسین دادرس از اهالی روستای سردوش حدود دو ماه پیش در تاریخ ۹ آذر توسط نیروهای اداره ی اطلاعات بدون اخطار قبلی مورد شلیک مستقیم قرار گرفته و پس از زخمی شدن بازداشت شد.

اعتصاب غذا در اعتراض به حکم اعدام رامین حسین پناهی

افشین و رامین حسین پناهی دو تن از زندانیان سیاسی محبوس در زندان مرکزی سندانج که نسبت برادری با یکدیگر دارند در اعتراض به صدور حکم اعدام برای رامین حسین پناهی توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب سندانج با نگارش نامه ای به مسئولان زندان اعلام اعتصاب غذا کردند. از سوی دیگر در ارومیه حکم اعدام هدایت عبدالله پور مجددا تایید شده و قریب الوقوع می باشد.

سه و سه و نیم حبس برای سه فعال سیاسی در بوکان

سه تن از فعالین سیاسی در بوکان به نام های محمد کریمی خواه، حسین محمودی و امیر ابراهیمی در دادگاهی در بوکان با اعمال ماده ۱۳۴ هر کدام به سه سال و نیم حبس محکوم شدند.

تجمع خانواده زندانیان سیاسی مقابل زندان دستگرد اصفهان در نگرانی از سرنوشت فرزندان در بند خود

روز سی دی نیروهای سرکوب دستگیریهایی گسترده ای در گلشهر گلپایگان انجام دادند. آنها با ضرب و شتم و خشونت و با استفاده از شوکر و اسپری فلفل و باتوم جوانان را دستگیر کرده و به بازداشتگاه برده اند. در همین روز محمد نیکبخت زندانی سیاسی سابق و دو برادرش در روز سی دیماه گذشته توسط ماموران اطلاعات بازداشت شدند. این دستگیری ها به علت شرکت جوانان در تظاهراتی بوده که روز ۳۰ دی در این شهر برگزار شده و جوانان در آن شرکت کردند. اسامی تعدادی از بازداشت شدگان گلپایگان عبارتند از: محمد، هادی و فضل الله نیکبخت، احمدی پوری، ابو الفضل ابو الحسنی، حسین فیاضی و رسول یآوری، آنها برای بازجویی از زندان گلپایگان به زندان دستگرد اصفهان منتقل شده اند. خبرها حاکی است که یکی از بازداشت شدگان بنام حسین فیاضی در زیر شکنجه است. مسئولین اطلاعات اعلام کردند که بازداشت شدگان همچنان محروم از ملاقات و در انفرادی هستند. اتهام این بازداشت شدگان شرکت در تجمع اعتراضی در گلپایگان در روزهای گذشته می باشد.

در اعتراض به اخراج سپیده مرادی سروستانی به جرم درویش بودن

بسم رب المستضعفین ترسیدن ما چونکه هم از بیم بلا بود اکنون ز چه ترسیم که در عین بلا بایم بس است. نسل کثی بس است. تبعیض بس است. کشتار و فساد بس است. آیا نمی بینید؟ حق برخورداری از آموزش از حقوق اساسی همه افراد در جامعه است. هر شهروند فارغ از جنسیت، قومیت و مذهب حق دارد که از امکانات آموزشی استفاده کند و چه مضحکه ی ننگینی است نمایش استبداد که همه را غیر خودی پنداشته است و هر کسی را به جرم ابراز عقیده به بند می کشاند و از تحصیل محروم می کند. چه کسی این حق را به شما داده است که با شعار عدالت، نا برابری می آورید و با نام آزادی حبس می کنید و اخراج می کنید؟ کجاست شعارهای اساسی این مرز و بوم که در این روزگار، آزادی و عدالت جرمی نانوشته است و دروغ و تزویر معبود ستودنی صاحبان قدرت گشته است. خودکامگان چنان دایره خویش را روز به روز تنگ می کنند و هیچ آزاداندیش آزاده ای را در آن حلقه راه نمی دهند که این حلقه دیر نیست که تنها به گرد گردنشان اندازه گردد. بازداشت های خودسرانه، حمله به حریم خصوصی افراد و اکنون محرومیت از تحصیل تنها برای ابراز عقیده صلح طلبانه و درویش وار، عرصه را بر دانشجویان تنگ کرده است. وجدان های بیدار به مرگ شهری که خواسته و ناخواسته در انتظار هر دگراندیش است همواره «نه» خواهند گفت و یک صدا به مسئولان تذکر می دهند تا از اقدام های نابخردانه که شایسته محیط دانشگاه نیست و هم موجب خشم و خشونت و بی اعتمادی است، دست بردارند و محیط آموزش را فدای بازی های سیاسی کارانه خود نکنند و بر میثاق ملی - حقوق ملت در قانون اساسی - پای بند بمانند که در این فقره با تخلفات چهار اصل آن را پایمال کرده اید. و گر جهل است یادآور می شویم اصول حقوق ملت را. اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند. اصل بیست و سوم - اصل ممنوعیت تفتیش عقاید. اصل سی و ششم - حکم به مجازات تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصل سی و هفتم - اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمیشود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. بدانید که در این نقض پیمان با ملت و انکار و نادیده گرفتن حقوق ملت و فضای دود و مه هولناکی که ایجاد کرده اید این شما هستید که راه از بیراهه شناخته به چاه می افتید و چراغ دانش و خرد و انسانیت از دستان مردمان ایران زمین افتادنی نیست. شورای صنفی دانشگاه تربیت مدرس به نمایندگی از همه دانشجویان آزادی خواه به حکم غیر انسانی، غیر قانونی و غیر اخلاقی اخراج سپیده مرادی سروستانی تنها به خاطر درویش بودن و درویش ماندن اعتراض دارد و بر حق اعتراض خود ایستاده است و تا بازگشت سپیده مرادی به تحصیل بی هیچ قید و شرط و تعهدی، از تلاش باز نخواهد ایستاد. ما دانشجویان خواهان ادامه تحصیل سپیده مرادی سروستانی هستیم و بر این خواستن خویش اصرار داریم. باشد که به زودی او را در کنار خویش و نشسته بر صندلی دانشگاه ببینیم.

گر چه می دانم آنچه بیداری ندارد خواب مرگ بی گناهان است و وجدان شماست با تمام اشک هایم باز نومیدانه خواهش می کنم بس کنید بس کنید و بنگرید این خلق عالم را که دندان بر جگر بیدادتان را بردباری می کنند...

نیما صفر جهت تحمل حبس راهی زندان شد

این فعال مدنی شهر گرگان جهت تحمل حبس راهی زندان امیرآباد این شهر شد. گفتنی است که روزبه گیلایان، نیما صفر و الهه سروشیا به ترتیب به یک سال زندان، ۸۰ روز حبس و ۸ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شده بودند. اتهام گیلایان تشکیل شبه جمعیت پاتوق گرگان به قصد اقدام علیه امنیت کشور، نشر اکاذیب در فضای مجازی و ... بوده است. او و ۱۸ نفر دیگر از اعضای پاتوق در دادگاه انقلاب گرگان شعبه یک به قضاوت حجتاله قربانی چندین جلسه محاکمه شدند.

فرشید تاج میری و مجید رحمت آبادی همچنان در بازداشت هستند

با گذشت یکماه از بازداشت فرشید تاج میری و مجید رحمت آبادی، دو دانشجوی همدانی متاثر از اعتراضات اخیر، علیرغم ادعای وزیر کشور مبنی بر آزادی تمامی دانشجویان بازداشتی، این دو کماکان در زندان مرکزی همدان بصورت بازداشتی نگهداری می شوند. با وجود تعیین وثیقه و تودیع آن توسط خانواده ها کماکان به دلایل نامعلومی از آزادی این دو زندانی جلوگیری شده است. به گفته یک منبع آگاه: در چند روز گذشته به خانواده این دو دانشجو اعلام شد، برای آزادی فرزندانشان قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی تعیین شده است. قاضی پرونده به خانواده این دو دانشجو گفته است که فعلا به ما دستور

رسیده دانشجو هایی که تا کنون آزاد نشده اند را همچنان در بازداشت نگه داریم تا به پرونده های آنها رسیدگی شود. مجید رحمت آبادی دانشجوی دانشکده فنی همدان، در تاریخ ۱۱ دی ماه توسط نیرو های امنیتی بازداشت و پس از تکمیل مراحل بازجویی به زندان مرکزی همدان منتقل شد. همچنین فرشید تاج میری دیگر دانشجوی ۱۸ ساله دانشکده فنی همدان روز ۹ دی ماه سال جاری بدلیل شرکت در تجمعات اعتراضی موسوم به اعتراضات دی ماه، توسط نیرو های امنیتی بازداشت شد.

هجوم بی وقفه به معترضین و فعالین جنبش های اجتماعی

رژیم فقها فشار بر فعالین اجتماعی در جنبشها را بصورت تساعدی افزایش داده است؛ ابزار حاکمیت سیاسی در پس هر اعتراض عمومی تشدید فشار بر نیروهای فعال در جنبش های اجتماعی است! آتنا دائمی و گلرخ ابراهیمی ایرانی به زندان قرچک منتقل شدند تا صدای اعتراضاتشان در دفاع از دیگر زندانیان، کودکان کار و به اعتراضات خیابانی اخیر شنیده نشود. زندانیان سیاسی در گورهدشت کرج تحت فشار مضاعف قرار دارند که با از بین بردن مدارک پزشکی توسط ریاست زندان قصد دارند تا بیماری های مزمن و عدم رسیدگی به زندانیان شناسائی نشود. در اوین صدای اعتصاب غذای سهیل عربی و آرش صادقی به گوش می رسد که به خاطر آتنا و گلرخ که به زندان قرچک منتقل شده اند، ادامه یافته است. زندانی دیگر بنام حسن بکویی در زندان مرکزی زندان ارومیه بر اثر بیماری و عدم به موقع رسیدگی جان باخت. مولوی قنبربراهویی در شهر زاهدان به دست مامورات اطلاعات ترور و جان باخت. در زندان مرکزی سندانج دو براد افشین و رامین پناهی به دلیل ابلاغ حکم اعدام دست به اعتصاب غذا زده اند. نجیبه صالح زاده از فعالین کارگری به اتهام تبلیغ علیه نظام در شهرستان سفر متهم و هم اکنون با وثیقه موقتا آزاد شده است. سیما کیانی شهروند بهائی ساکن شهرری به تحمل یکسال حبس تعزیری محکوم و راهی زندان شد. تاج میری و مجید رحمت آبادی دو تن از دانشجویان همدان که در اعتراضات اخیر در زندان بسر می برند بعد از تهیه وثیقه همچنان بدلائل نامعلوم تحت بازداشت می باشند. فعالین مدنی و فرهنگی نیما صفار، روزبه گیلاسیان، نیما صفار و الهه سروش نیا در دادگاه تجدید نظر به یک سال زندان و ۸۰ روز حبس و ۸ میلیون جریمه نقدی محکوم شده و به زندان انتقال یافتند.

اگر هرکس نسبت به وضعیت اجتماعی ایران و حاکمیت چهل ساله فقها کمی اطلاع داشته باشد، نسبت به افزایش میزان سرکوبهای اجتماعی خصوصا در رابطه با فعالین جنبش ها شک نمی کند. مسئله ای که ما ده ها سال است با سرکوب سیستماتیک حکومت مذهبی در رابطه با نیروهای فعال مخالف که عمدتا خارج از نظام سیاسی هستند مشاهد می کنیم. تداوم اعتراضات خیابانی در دهه اخیر که ما روند آنها از اعتراضات مالباختگان، مبارزات صنفی کارگری، زنان و اقلیتهای مذهبی و اقوام بلوچ، عرب، کرد و... در ایران شاهد هستیم، می رود تا در روزهای پایان سال تبدیل به مرحله جدیدی از شکل مبارزه خیابانی در عرصه عمومی گردد.

مبارزاتی که البته خود همراه با ضعف های ساختاری است و نقصان آنها در اعتراضات خیابانی دی ماه شاهد بودیم. یعنی «فقدان تئوری راهنمای عمل، نبود رهبری درون جوش و سازماندهی اصولی و مختص از جنبش اجتماعی». که اگر این شاخص ها در حرکت های اخیر تجلی داشت قطعا ما پروسس مبارزه را در مرحله کیفی داشتیم. عدم تناسب طرح مطالبات اجتماعی در اعتراضات خیابانی و از جانب فعالین کارگری، دانشجویی، زنان، اقوام، معلمان و پرستاران و نبود اولویت بندی در طرح شعارها و نشانه گیری بخش عظمی از شعارها به سمت نفی حاکمیت سیاسی و اصولا سیاسی شدن این حرکتها و اعتراضات باعث گردید تا مطالبات صنفی تحت شعاع آن قرار گیرد! یعنی پرش از مبارزه صنفی به مبارزه سیاسی که این مهم باعث گردید تا شکاف عمیقی مابین مراحل مبارزه با خاستگاه و پایگاه اجتماعی جنبش ها و اعتراضات خیابانی بوجود آید.

عدم حضور و حمایت میلیونی مردم از طیفها و طبقات مختلف در همیاری از اعتراضات فوق را نباید ناپدید بگیرییم که باعث شد تا سکوت معنی دار اکثریت مردم در طی این وقایع بستری گردد برای جریانات و نیروهای حاشیه ای که نقش مستقیمی در شکل دهی به این مبارزات نداشتند. و این اعتراضات لقمه چربی برای جریانات و نیروهای در داخل و خارج از کشور فراهم کند. نیروها و جریاناتی که صرفا با تبلیغ راهکارهای فرابطقاتی در پی تامین منافع گروهی خود بودند و آنچه را که در فضای مجازی تبلیغ می کردند رابطه مستقیمی با مطالبات در طی دهه گذشته در بین توده مردم و جنبش ها شکل گرفته نداشت. و شاهد بودیم که ناهمگونی مبارزاتی باعث گشت تا دندانهای سرکوب حاکمیت را بیش از پیش تیز کرده و زمینه لازم را برای یورش هر بیشتر به هژمونی اندک توده ها فراهم سازد. تزریق پلاتفرم و برنامه هائی که هزینه مبارزه در مرحله صنفی افشار و جنبش های اجتماعی را به مراتب بالا برد و تحقق گام به گام آن که می بایست همراستا با مطالبات ملموس و خودآگاهی طبقاتی شکل می گرفت تبدیل به صداها شعار گردید که تحقق آن حتی از عهده احزاب سیاسی و جریانات براندازی که سبقه آنان بیش عمر انقلاب بهمن ۵۷ می باشد هم خارج بود! به اینها همه بی افزائیم که بخشی از نیروهای خط شریعتی بدون توجه به نقش تاریخی خود و عدم تبیین فوکسیون این مرحله از مبارزات و نیز عدم توجه به رسالت آنان در نقش بندی مشارکت جنبش ها و رابطه آن با اعتراضات خیابانی، نتوانستند از واکنش مناسب برخوردار باشند! بی شک در این زمان تاریخی رسالت این نیروها تاکید بر کارزار شکلی از «مبارزه فرهنگی» بود که به مؤلفه هائی همچون تحلیل تئوریک از «نحوه مشارکت جنبش ها و سازماندهی و رهبری خودجوش توده ای» مربوط می گشت. بخش دیگری از نیروها طرفدار شریعتی که فعالیت خود را متمرکز بر فضای مجازی کرده بودند در - صف مبارزات سیاسی- قرار گرفتند و بیشتر واکنش ایشان در هم آوازی با رویکردهای نیروهای خارج از کشور سامان گرفت. این نیروها عمده فعالیت خود را مبتنی بر «ترغیب توده مردم بر حضور فیزیکی در خیابانها، سازماندهی حرکت برای حضور خیابانی و شعارهای سیاسی همچون رفراندوم بر علیه حاکمیت»، تمرکز دادند. غافل از اینکه با این شگردها شکاف عمیقی ما بین مطالبات صنفی و مبارزات جنبش های اجتماعی با اعتراضات خیابانی بوجود می آمد. خصوصا آنکه وجود فقر تئوریک در حرکت های اعتراضی فوق که تجلی آنها در کثرت

بیش از حد مطالبات و عدم اولویت بندی آن شاهد بودیم باعث گردید تا مبارزات اجتماعی نتواند پیوند ملموسی با مطالبات جنبش‌ها ایجاد نماید و خروجی آن به انقطاع طرح مطالبات جنبش‌های اجتماعی در فرآیند اعتراضات خیابانی منجر گردید. دهه اخیر نمونه با ارزشی است از شیوه مبارزه جنبش‌های اجتماعی، نوع و کیفیت مطالباتی که طرح کردند و نحوه سازماندهی اجتماعی که به توسط آن قصد داشتند تا به مطالبات فوق دست یابند.

اگر ما بر مبنای تشخیص مرحله تاریخی و شرایط جنبش اجتماعی می‌توانستیم به تبیین و طرح مطالباتی که طی دهه اخیر به ظهور رسید اقدام کنیم، قطعاً نتایج آن در هزینه مبارزه و دستاوردها چیزی دیگری می‌بود. در غیر اینصورت تصور کنیم که ۱۷ میلیون حاشیه نشین شهری، ۱۰ میلیون کارگر بیکار، میلیون‌ها معلم، پرستار، دانشجو و قومیت‌های ایرانی به خیابان بریزند اما فاقد تئوری راهنمای عمل، رهبری و سازماندهی و... باشند! سوال اساسی که این نیروها باید به آن پاسخ دهند آن است که اگر حاکمیت سیاسی در چنین شرایطی سرنگون گردد و آگاهی اجتماعی ائتلاف نیافته باشد، سازماندهی و رهبری خود جوش در جنبش‌ها بوجود نیاید، و توده‌ها مبتنی بر خودآگاه طبقاتی به عرصه عمومی نیایند، آنوقت بر مرحله تکوین، استمرار و تحقق چنین مبارزه‌ای چه خواهد آمد؟! آیا ما می‌توانیم بدون نیاز به این ابزار در جنبش‌ها که قرار است زمینه تحقق آزادی و برابری و توسعه همه جانبه را فراهم سازد، مسیر مبارزه اصولی را طی کنیم، و یا در فقدان چنین ابزاری جامعه را به سمت عقب و تولد دوباره نوع دیگری از نظام ارتجاعی و مستبد سوق خواهیم داد؟!

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

در اعتراض به ادامه سرکوب معلمان در شهرهای مختلف توسط نهادهای امنیتی زیر نظر دولت

در دی ماه ۱۳۹۶ خورشیدی مردم به جان آمده از تبعیض، بی عدالتی، اختلاس و همه نامردمی‌های حاکم بر جامعه ایران در نزدیک به صد شهر ایران به خیابانها آمدند و فریاد عدالتخواهی سر دادند، این اعتراضات در شهرهای محروم و دورافتاده بیشتر بود و شهر الیگودرز در کنار شهرهایی مانند درود، تویسرکان، قهدریجان، خمینی شهر و... صحنه اعتراضات مردمی بود. در واکنش به این اعتراضات در الیگودرز بخش امنیتی شهر اقدام به دستگیری دو نفر از فرهنگیان دلسوز شهر نمود و آنها را نزدیک به دو هفته در بازداشت موقت نگه داشت، سپس با قید وثیقه و کفالت آزاد نمود. اما خط برخورد متوقف نشد و در ادامه یکی از مدیران مدارس تلفنی به اداره اطلاعات احضار گردید که بنا بر اطلاع بعد از مراجعه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بعد از چند ساعت بازداشت آزاد شده است و در کمال ناباوری اداره آموزش و پرورش به جای پیگیری این هتک حرمت، ابلاغ ایشان را لغو نموده است.

برخورد امنیتی با معلمان معترض در استان‌های لرستان، اصفهان و سایر نقاط، حکایت از سرکوب معلمان به شیوه‌ها و ترفندهای مختلف دارد و در ادامه همان بازداشتها، تبعیدها و اخراجهای بی قانونی است که سالهاست در حق معلمان این مرز و بوم روا می‌دارند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران قویا نسبت به این نوع رفتارهای فراقانونی هشدار میدهد و از مسئولین وزارت آموزش و پرورش می‌خواهد نسبت به این نوع رفتارهای امنیتی واکنش مناسب نشان داده و از تمامی توان خود جهت متوقف ساختن این شیوه‌های سرکوب استفاده نماید و همچنین به دستگاههای امنیتی و قضایی اعلام میدارد چگونه است که توان جلوگیری از فرار غارتگران بیت المال و دزدان صندوقهای بازنشستگی و صندوق ذخیره فرهنگیان را ندارید اما نسبت به خواسته‌های مدنی مردم و معلمان این مرز و بوم که معلمان فرزندانان نیز هستند دست به سرکوب میزنید؟ به شیوه‌های غیر قانونی آنها را دستگیر و بر خلاف قانون بازداشت، زندانی، تبعید و با اعمال نفوذ اخراج می‌نمایید؟ مباد روزی که کاسه صبر معلمان کشور از رفتارهای فراقانونی شما به آخر برسد.

شورای هماهنگی بر حسب وظیفه قانونی خود از دولت و وزارت متبوع انتظار دارد که با اتخاذ روشهای مناسب از ادامه این روند جلوگیری نمایند و اجازه ندهند دستگاههای امنیتی رفتارهای ضعیف خود را در دیگر حوزه‌ها با سرکوب معلمان جبران نمایند، اجازه ندهند منافع کشور به خاطر تصمیمهای غیرقانونی آنها مورد تهدید قرار گیرد.

در غیر اینصورت شورای هماهنگی به نمایندگی از تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور حق هر گونه اعتراض را برای خود لازم و ضروری می‌داند.



چند دانش آموز بلوچ در اعتراضات اخیر بازداشت شدند

بطحایی وزیر آموزش و پرورش از بازداشت ۱۵۶ دانش آموز در تظاهرات اخیر خبر داد که ۶ نفر از آنها به مرحله بازپرسی رسیدند. وزیر آموزش و پرورش از مجموع بازداشت ۱۵۶ دانش آموز بخاطر تظاهرات ها خبر داد که از بین آنها چند بلوچ بودند. محمد بطحایی از وجود یک دانش آموز بلوچ که مدت بازداشتش از بقیه طولانی تر شده خبر داد که با قرار وثیقه آزاد شده و در انتظار دادرسی است. این دانش آموزان زیر ۱۸ سال هستند. در اعتراضات اخیر دانش آموزان بلوچ اقدام به شعار دهی علیه رهبران ایران کردند. فیلم هایی که در همین زمینه در شبکه های اجتماعی منتشر شده، نشان میدهد مجموعه ای از دانش آموزان بلوچ شعار «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر روحانی» سر می دهند.

روند تبعیض و نابرابری در حق اهل سنت تا کی ادامه خواهد داشت؟

نماینده مردم زاهدان در نشست علنی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از عدم توجه به نخبگان اهل سنت، نسبت به عواقب «تقسیم نامتعادل قدرت سیاسی» برای یک نظام و حکومت هشدار داد. به گزارش سنی آنلاین، علیم یارمحمدی در نطق میان دستور مجلس بر لزوم «نگاه ملی» و «مشارکت اقوام و مذاهب» در کشور تاکید کرد و گفت: آنچه که یک کشور را در مقابل تمامی فتنه ها بیمه می کند، نگاه ملی و مشارکت اقوام و مذاهب و اعتقاد بر روش حکومتی کمخطا بر مردم حق مدار است. وی خاطر نشان کرد: اگر در یک دموکراسی، قانون گذاری دقیق برای جلوگیری از تقسیم نامتعادل قدرت سیاسی صورت نگیرد، یک شاخه نظام حاکم ممکن است قدرت و امکانات زیادی را در اختیار بگیرد و به آن نظام لطمه بزند.

گزارش سایانه نقض حقوق بشر در بلوچستان - ۲۰۱۷

در بخشی از این گزارش آمده که؛ سال ۲۰۱۷ بسیاری از شاخصهای فقر و محرومیت در این استان همچنان ثابت مانده و حتی در مواردی بدتر نیز شده است. به دلیل برخی سیاستهای نادرست اقتصادی در کشور شهروندان این استان نیز مانند بسیاری از مردم ایران شاهد کوچکتر شدن سفره و معیشت خود بودند. از آنجا که بخش قابل توجهی از جمعیت محروم این استان کارگر هستند عدم شفافیت در قوانین کار و حقوق و دستمزد باعث گشته است تا این افراد همچنان در قبال کار سختی که انجام میدهند حداقل دستمزد و حقوق را دریافت نمایند که این دستمزد و مزایا هیچ تناسبی با میزان تورم و گرانی سرسام آور کشور نداشته و این امر باعث افزایش سطح محرومیت بخش قابل توجهی از جمعیت این استان میشود.

استان سیستان و بلوچستان در سال ۲۰۱۷ شاهد اجرای ۳۱ اعدام و همچنین صدور ۴۰ حکم اعدام بوده است که این افراد نیز در انتظار اجرای حکم خود هستند. همچنین در این سال تعداد ۲۷ مورد احکام زندانهای سنگین برای شهروندان این استان صادر شده است که از این میان ۱۸ مورد آن تحت جرایم سیاسی بوده است. همچنین در زندانهای این استان در سال ۲۰۱۷ تعداد ۱۶۸ مورد نقض حقوق زندانیان گزارش شده است که شامل شکنجه جسمی و روانی سلول انفرادی و قرنطینه، بلاتکلیفی و عدم امکان استفاده از ملاقات و مرخصی و عدم رسیدگی پزشکی بوده است. در سال گذشته گزارشها حاکی از این است که وضعیت بهره مندی شهروندان این استان از حقوق مدنی نیز وضعیت بهتری نداشته است. در این سال بیش از ۴۰ مورد بازداشت گزارش شده است که ۳۵ مورد آن تحت فعالیتهای سیاسی و عقیدتی بوده است. همچنین دستکم ۱۳ مورد احضار و بازجویی و تفتیش شهروندان این استان گزارش شده است. بیش از ۳۱ شهروند این استان در سال ۲۰۱۷ بر اثر تیراندازی مستقیم ماموران انتظامی و امنیتی کشته و یا زخمی شده اند. آمار و گزارشها همچنین نشان میدهد که وضعیت زنان و کارگران و مسائلی مانند آموزش و بهداشت در این استان در سال ۲۰۱۷ به هیچ عنوان رضایت بخش نبوده است. گفته میشود هنوز در این استان مدارس کپری با قوت باقی هستند و حدوداً ۲۰۰ هزار کودک این استان از تحصیل باز مانده اند.

بازداشت یک نوکیش مسیحی در تبریز

علی امینی، نوکیش مسیحی ساکن شهر تبریز، چند روز قبل از سال نو میلادی توسط اداره اطلاعات تبریز بازداشت و پس از اخذ بازجویی به زندان تبریز منتقل شده است، علیرغم گذشت بیش از یک ماه از بازداشت، این شهروند کماکان در این زندان بصورت بازداشت موقت نگهداری می شود. این زندانی که توسط ماموران اداره اطلاعات تبریز چند روز قبل از سال نو میلادی بازداشت شده بود، پس از چند روز بازجویی در انفرادی اداره اطلاعات به زندان مرکزی تبریز منتقل شده است. در حال حاضر ایشان در بند مالی زندان مرکزی تبریز نگهداری می شود. وی قبل از انقلاب ۵۷ به آئین مسیحیت گرویده و با آمدن جمهوری اسلامی چندبار بازداشت، محاکمه و زندانی شده است، او در حال حاضر مالک یک قنادی قدیمی در شهرستان تبریز است. لازم به ذکر است علیرغم اینکه طبق قانون حکومتی مسیحیان بعنوان یک اقلیت دینی به رسمیت شناخته می شوند با اینحال دستگاه امنیتی در عمل مسئله گرویدن مسلمانان به مسیحیت را قبول ندارد و با فعالان این عرصه برخورد قهرآمیز میکند.

درگیری در اویش با نیروهای امنیتی در حوالی منزل قطب در اویش گنابادی

در اویش گنابادی و نیروهای امنیتی صبح یکشنبه ۱۵ بهمن در خیابان گلستان هفتم، در منطقه پاسداران تهران با یکدیگر درگیر شدند. این در حالیست که نیروهای امنیتی از شامگاه شنبه در خیابان محل اقامت نور علی تابنده، قطب در اویش نعمت‌اللهی حضور یافته بودند که با تجمع در اویش در همان محل روبه‌رو شدند. بر اساس گزارش‌ها شمار معترضان به حضور مأموران امنیتی در طول شب گذشته افزایش یافته است. بر اساس اخبار منتشر شده در این زمینه درگیری در اویش با مأموران امنیتی صبح یکشنبه رخ داده است. در تصاویر منتشر شده از این درگیری در شبکه‌های اجتماعی، موتورسیکلت‌های سوخته نیروهای امنیتی دیده می‌شود و در اویشی که برای دفاع از نور علی تابنده در محل حضور یافته‌اند. گفته می‌شود پس از درگیری نیروهای امنیتی از این خیابان عقب نشینی کرده‌اند، اما فضای امنیتی در منطقه پاسداران همچنان پابرجا است. فائزه عبدی‌پور، یکی از زندانیانی که برای فعالیت در حوزه حقوق در اویش در دی ماه ۹۶ دستگیر شد، در این زمینه توضیح داده که «تعرضی که نیروهای امنیتی نسبت به منزل قطب در اویش گنابادی داشته‌اند موجب افزایش حضور در اویش در این مکان شده است». به گفته خانم عبدی‌پور، هرچند پس از این درگیری‌ها نیروهای امنیتی از خیابان گلستان هفتم متفرق شدند، اما در کوچه‌های دورتر از آن در حالت آماده‌باش ایستاده‌اند. گفتنی است نیروهای امنیتی یا مقام‌های رسمی حکومت ایران هنوز به طور رسمی در این باره موضعی نگرفته‌اند.

صدور ۵۰ سال حبس برای هفت تن در ارومیه و سنندج

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در دو شهرستان ارومیه و سنندج، هفت بازداشتی را مجموعاً به پنجاه سال زندان محکوم کرد. اتهام این هفت تن شامل مصادیقی مرتبط با احزاب کُرد مخالف نظام بوده است. به نقل از مرکز دموکراسی و حقوق بشر کردستان، دادگاه تجدیدنظر ارومیه حکم ۲۵ سال حبس «حاصل عزیزی» را به ۲۰ سال حبس تعزیری تقلیل داد. حاصل عزیزی از اهالی روستای قره سفلی از توابع اشنویه در اوایل مهر ۱۳۹۵ به اتهام «همکاری با یکی از احزاب کُرد مخالف نظام» بازداشت شده و اسفندماه همان سال از سوی شعبه‌ی یکم دادگاه انقلاب ارومیه به ۲۵ سال حبس محکوم گردید. در خبری دیگر دادگاه انقلاب سنندج، شش تن به نامهای «سیروان رستمی»، فرزند علی‌محمد، «وکیل رستمی»، فرزند محمدمیرزا، «علی کوهی»، فرزند محمدعزیز، «بهرروز عزیزی»، فرزند محمدصالح، «رسول عزیزی»، فرزند الله‌محمد و «فروان رستمی»، فرزند علی‌محمد را مجموعاً به سی سال حبس تعزیری محکوم کرد. به تازگی تمامی این افراد برای تحمل حبس پنج ساله به زندان سنندج منتقل شده‌اند. اتهام این افراد «تبلیغ به نفع یکی از احزاب کُرد مخالف نظام از طریق حمل پرچم کردستان عراق» است. این شش تن، از اهالی روستای میراب سنندج هستند که در مرداد و شهریور ۱۳۹۶ از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و پس از طی مراحل بازجویی، با تودیع وثیقه آزاد شدند. علیرغم عدم وجود قانون مشخصی مبنی بر ممنوعیت حمل و نگهداری پرچم مذکور در ایران، اما شهروندان در صورت حمل و یا نگهداری آن با اتهاماتی چون همکاری احزاب کُرد مخالف نظام روبه‌رو می‌شوند.

دستگیری دو شهروند در شهرستان محلات

معاون روابط عمومی سپاه روح‌الله استان مرکزی از دستگیری دو نفر از افرادی خبر داد که به گفته او ضد انقلاب و در حال «آسیب زدن به اماکن مذهبی» بودند. سرهنگ عزت‌اله نظم‌آبادی از دستگیری عوامل تخریب اموال عمومی در شهرستان محلات خبر داد و اظهار داشت: مورخ ۱۵ بهمن‌ماه مقارن ساعت ۵ بامداد ۲ نفر از عوامل گروه ضد انقلاب توسط گشت‌های عملیاتی بسیج سپاه شهرستان دستگیر شدند. وی مدعی شد: این افراد هنگام آسیب زدن به اماکن عمومی و مذهبی دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند. علیرغم اینکه زمان زیادی از بازداشت این افراد نمی‌گذرد با این حال معاون روابط عمومی سپاه روح‌الله استان مرکزی ادعا کرد: نامیردگان اعتراف کردند که وابسته به گروه ضدانقلاب و با عوامل خارج از کشور در ارتباط بوده و چندین بار در روزهای گذشته اقدام به تخریب، آتش زدن درب دفتر امام جمعه، آتش زدن مسجد و اقدام به شعارنویسی کرده‌اند.

آمار نقض حقوق بشر در سال ۹۶

